

خرده‌جنبش‌های مردمی در بغداد قرن سوم هجری بررسی عملکرد حریبه و مطوعه بغداد در فترت جدال امین و مأمون

عباس احمدوند*

چکیده

در عصر عباسی (طی سال‌های ۱۹۷-۱۹۸ ق)، زمانی که میان امین و مأمون نزاع رخ داد، حریبه از موقعیت پیش‌آمده استفاده و از مردم بغداد سلب آسایش کردند که این عمل آنان جنبشی مردمی برای دفاع و دفع تجاوزات آن‌ها به رهبری دو تن از پارسایان شهر، به نام‌های خالد ذریوش و سهل بن سلامه انصاری، را در پی داشت. از این رو مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که این جنبش مردمی دارای چه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی بوده، چه اهدافی را دنبال کرده، و برآیند کار آن‌ها در بغداد قرن سوم هجری چه بوده است؟ این مقاله با روش زمینه‌شناسی تاریخی، توصیفی، و تحلیلی خرده‌جنبش‌های حریبه و مطوعه را نتیجه‌ناامنی‌های سیاسی، اجتماعی، و مشکلات اقتصادی مردم بغداد قرن سوم یافته که به‌رغم تفاوت سبک رهبری، سران جنبش مشترک در زمینه برقراری نظم و امنیت اجتماعی و اقتصادی توفیقاتی داشتند و در نهایت نیز سرکوب شدند.

کلیدواژه‌ها: بغداد، حریبه، خالد ذریوش، سهل بن سلامه، امر به معروف و نهی از منکر.

۱. مقدمه

یکی از سیاست‌های جنجال‌برانگیز خلفای عباسی از زمان سفاح (حک: ۱۳۲-۱۳۸ ق)، تعیین ولیعهدی‌های متعدد بود که تنش‌ها، اختلاف‌ها، و گاه جنگ‌هایی خانمان‌سوز را در پی داشت (← احمدوند، ۱۳۹۰: ۲۳۸). از جمله سهمگین‌ترین این نزاع‌ها، باید به نزاع امین و مأمون اشاره کرد که موجب ائتلاف فراوان نیروها و دست‌آخ‌ر ویرانی بغداد شد

* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی a_ahmadvand@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

(احمدوند، ۱۹۹۰-۲۰۰۲: ذیل مدخل «امین، مأمون، بغداد»؛ احمدوند، ۱۳۹۰: ۲۰۸ به بعد). سرداران مأمون، طاهر بن حسین (م ۲۰۷ ق) و هرثمه بن أعین (م ۱۹۹ ق)، گام به گام سپاهیان امین را از ری به بغداد شکست دادند و به عقب راندند. آنان امین را در بغداد محاصره و کار را بر وی و طرف‌دارانش سخت کردند. ناکامی‌های نیروهای امین در دفع مهاجمان و گریز آنان از برابر سپاهیان طاهر موجب شد گروهی از فاسقان و دزدان محله حریبه، در حدود ۲۰۰ ق، از زمینه پیش‌آمده بهره ببرند و شهر را ناامن‌تر کنند و موجب وحشت مردم شوند. مردم بیمناک به هیچ روی توان مقابله نداشتند تا آن‌که در ۲۰۱ ق دو تن از پارسایان محله به نام‌های خالد ذریوش و سهل بن سلامه انصاری در اتحاد مردم بغداد بر ضد دزدان و غارت‌گران توفیق‌هایی یافتند و هسته اولیه جنبشی مردمی را در حفظ نظم و آرامش شهر به تشکیل دادند.

از این رو مسئله اصلی پژوهش حاضر زمینه‌شناسی تاریخی خرده‌جنبش‌های مردمی حریبه و مطوعه بغداد در فترت جدال امین و مأمون در قرن سوم هجری است. در این راستا مقاله حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤالات است که: خرده‌جنبش‌های مردمی حریبه و مطوعه در بغداد قرن سوم هجری دارای چه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی بودند؟ چه اهدافی را دنبال می‌کردند و اقدامات آن‌ها در راستای تحقق اهدافشان چگونه بوده است؟ برآیند سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی این جنبش‌ها در بغداد قرن سوم هجری به چه شکلی تبلور یافت؟ و در نهایت هم ضمن نوع‌شناسی سبک رهبری خالد ذریوش و سهل بن سلامه انصاری بدانیم عاقبت جنبش آن‌ها چه شد؟

فرض پژوهش حاضر این است که خرده‌جنبش‌های اجتماعی حریبه و مطوعه نتیجه ناامنی‌های سیاسی، اجتماعی، و مشکلات اقتصادی مردم بغداد در قرن سوم هجری بوده است. زمانی که مردم از مشکلات اقتصادی رنج می‌بردند، در نتیجه ناامنی‌های سیاسی ناشی از بروز نزاع میان امین و مأمون این روند تشدید شد و به ناامنی اجتماعی منجر شد. هم‌چنین می‌توان در نظر داشت که اقدامات حریبه در تشدید ناآرامی‌ها و سلب آسایش مردم زمینه اصلی ظهور مطوعه به رهبری سران مذکور بوده و اقدامات مطوعه در راستای امر به معروف و نهی از منکر بوده است. از سوی دیگر محتمل است که به رغم رهبری مشترک خالد و سهل، سبک رهبری آن‌ها و باورش‌شان درباره دامنۀ امر به معروف و نهی از منکر متفاوت بوده است و به همین دلیل به رغم توفیقات آغازین سرکوب شدند.

از این رو در پژوهش حاضر به دنبال آن خواهیم بود تا با روش زمینه‌شناسی تاریخی،

علل و عوامل شکل‌گیری خرده‌جنبش‌های اجتماعی حریبه و مطوعه را تبیین و آثار، نتایج، و سرانجام این جنبش‌ها را بررسی کنیم.

تاریخ خلافت عباسیان از زوایای مختلفی مورد پژوهش محققان واقع شده است؛ با این حال فقط برخی از آن‌ها به زمینه‌شناسی آثار مخرب اجتماعی و اقتصادی نزاع امین و مأمون توجه داشته و اغلب علل شکل‌گیری نزاع و نتایج سیاسی مترتب از آن را بررسی کرده‌اند. طیب الحبري از جمله کسانی است که ضمن ریشه‌یابی علل نزاع، به برآیندهای اقتصادی و اجتماعی آن نیز توجه کرده است (El-Hibri, 1999: 76). هم‌چنین برخی دیگر چون هیو کندی در *تاریخ جدید اسلام کمبریج* همین مسائل را با زمینه‌شناسی وسیع‌تری از نظر گذرانده‌اند (*تاریخ جدید اسلام کمبریج*، ۲۰۱۰: ۱ / فصل نهم). از سوی دیگر برخی از محققانی که تاریخ بغداد را بررسی کرده‌اند در بحث از محاصره بغداد از طرف نیروهای مأمونیه به آثار مخرب این جنگ، به‌ویژه از جهت ویرانی، شیوع بیماری‌ها، از بین رفتن رفاه اجتماعی و شکوه بغداد، پیدایی گروه‌های حریبی، و ضعف تجارت در این دوره نظر داشته‌اند (Le Strange, 2011: 89-100).

در حوزه تک‌نگاری‌های انجام‌شده هم نویسنده مقاله «امین» در *دائرةالمعارف اسلام*، به رغم بررسی منابع متقدم، از نتایج اجتماعی و اقتصادی نزاع میان امین و مأمون غافل شده است و به هیچ وجه در این اثر ذکری از مطوعه نیست (Gabrieli, 1960: 1/ Al-Amin). محققان دیگری چون عبدالمولی ضمن بحث از عیاران و چگونگی شکل‌گیری آنان ضعف نیروهای امینیه در برقراری امنیت در نزاع با مأمونیه را به‌خوبی نشان داده‌اند، اما بیش‌تر توجه او معطوف به چگونگی شکل‌گیری گروه عیار مدافع بغداد و نقش آن‌ها در مناسبات سیاسی آن زمان بوده است (عبدالمولی، ۱۴۱۰: ۲۸ به بعد). تور هم در مقاله‌ای مشابه بیش از آن‌که توجه خود را به خرده‌جنبش‌های حریبه و مطوعه معطوف بدارد بر آن است تا چگونگی شکل‌گیری و بالندگی عیاران در عصر عباسی را روشن و مناسبات و ویژگی‌های درون‌گروهی آن‌ها را بیان کند (Tor, 2007: 81FF).

فقط یک پژوهش آن هم پیرامون حریبه انجام شده است. مقاله «حریبه» در *دانش‌نامه جهان اسلام* پس از بررسی چگونگی شکل‌گیری این فرقه، به باورها و اعتقادات آن‌ها و گروه‌های منشعب از آن‌ها توجه داشته است. لذا در حوزه زمینه‌شناسی اجتماعی و اقتصادی خرده‌جنبش‌های حریبه و مطوعه، که در قرن سوم هجری در بغداد رخ داده است، هیچ مطلبی ندارد (کیانی‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۳ / ذیل «حریبه») و می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر نخستین پژوهش در این زمینه است.

۲. اوضاع بغداد در آغاز قرن سوم هجری

بغداد در آستانهٔ قرن سوم هجری را باید شهری در اوج نابسامانی و ناامنی دانست. سپاهیان طاهر بن حسین به‌شدت در حال کوبیدن شهر بودند. این سپاهیان با عده و عُدّه بسیار حصارهای محکم بغداد را در هم می‌شکستند و سرداران هر یک در فتح حصاری می‌کوشیدند. در نتیجه، بخش وسیعی از بغداد بر اثر حصارکوبی و استفاده از منجنیق ویران شد و شدت یورش سپاهیان طاهر ترس دامن‌گیری را در میان سپاه امین و مردم بغداد گستراند (طبری، بی‌تا: ۸/ ۴۴۵-۴۴۷ و اشعار عمرو و رزاق و عتّری).

اقدامات سخت‌گیرانهٔ طاهر چندان طاقت مردم بغداد را برد که بسیاری ناگزیر به مهاجرت و فرار از شهر شدند؛ به‌ویژه آن‌که طاهر ورود خواربار را نیز به بغداد دشوار کرد و با اخذ مالیات مضاعف از بازرگانان بغدادی مردم را در تنگنای فراوان و مضیقۀ معیشتی قرار داده بود (مسعودی، ۱۹۶۶: ۲/ ۵۳-۵۴؛ طبری، بی‌تا: ۸/ ۴۴۶). حتی طاهر با دار النکت (خانهٔ پیمان‌شکنی) خواندن بغداد، عملاً به مصادرهٔ اموال و مستغلات بزرگان و سردارانی که هنوز به او نپیوسته بودند و نیز بازارهای بغداد پرداخت (همان: ۸/ ۴۴۷). در نتیجه، دزدان و راه‌زنان نیز شهر را در معرض غارت و چپاول و زنان و کودکان را آماج آزارهای خویش قرار دادند. در چنین شرایطی، امین سرگرم عیش و نوش و شادخواری بود و سپاهیان بی‌رهبر، شکست‌خورده، و بی‌برنامهٔ او گاه بیش از مهاجمان بغداد را چپاول می‌کردند (همان: ۵/ ۸۰-۸۵).

۳. حریبه و اقدامات آنان

حریبه نام محله‌ای بزرگ در بیرون بغداد و نزدیک باب حَرَب بود که حَرَب بن عبدالله بلخی، سردار منصور (حک: ۱۳۸-۱۵۸ق)، آن را ساخته بود (یاقوت حموی، بی‌تا: ۲/ ۱۳۲، ذیل «حریبه»). هم‌زمان با موج ناامنی و نابسامانی‌های سال ۲۰۰ ق، گروهی از فاسقان این محله همراه با گروهی از فاسقان محلهٔ کَرخ، واقع در کرانهٔ غربی رود دجله، از درگیری میان امین و مأمون استفاده کردند و به دزدی، راه‌زنی، و سلب آسایش ساکنان پرداختند. این دو گروه از فساق که طبری آنان را یک‌جا فاسقان حَرَبی می‌خواند (طبری، بی‌تا: ۸/ ۵۵۱) در بغداد و کرخ مردم را آزار می‌دادند و آرامش آنان را سلب می‌کردند. حتی آشکارا پسران کم‌سال و زنان را می‌ربودند و کسی را یارای جلوگیری از این اعمال زشت آنان نبود (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/ ۱۲۹). حریبه گاه دسته‌جمعی به مناطق شهری یا اطراف بغداد

یورش می‌بردند و دارایی‌های مردم را چپاول می‌کردند و گاه در کوی و برزن به حرکت درمی‌آمدند، از ثروتمندان طلب پول، اثاثیه، و خواربار می‌کردند و در صورت اجابت نشدن خواسته‌شان به‌زور می‌ستاندند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/۳۲۵). ره‌گذران و مسافران نیز از دست آنان در امان نبودند. باغات، بستان‌ها، و اراضی کشاورزی مردم نیز آشکارا به دست این فاسقان غصب می‌شد. در این میان حکومت نیز، به سبب اشتغال به جنگ با سپاهیان طاهر، به هیچ‌رو امکان دفاع از جان و مال بغدادیان را نداشت. برای نمونه، وقتی حریبه دهکده قُطربَل، واقع در میان بغداد و عُکبَرَا، را غارت کردند و اثاثیه، طلا و نقره، و احشام ساکنان آن را به‌زور گرفتند و در بغداد به فروش رساندند، حکومت امکان رفع این ظلم را نداشت و نتوانست اموال اهالی قُطربَل را به ایشان بازگرداند (طبری، بی‌تا: ۸/۵۵۱-۵۵۲). خلیفه حتی آن‌قدر سپاه در اختیار نداشت که با مهاجمان به پایتختش نبرد کند. بنابراین، ناگزیر به استفاده از اوباش، زندانیان آزادشده، و عیاران در این نبرد شده بود. بدیهی است که این افراد نیز تابع نظم یا به عبارت دقیق‌تر بی‌نظمی‌های خاص خود و نه خلیفه و درباریان بودند. از این بدتر آن‌که حکومت دست این افراد را در تمامی امور باز گذارده بود. مردم از غارت، دزدی، و ربودن زنان و کودکان به دست این افراد در دشواری بودند و سخت‌ترین عذاب‌ها و رنج‌ها را تحمل می‌کردند (مسعودی، ۱۹۶۶: ۲/۳۳۵؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/۱۴۹).

۴. واکنش مردم به فسق و دزدی

با آن‌که شمار فاسقان هر محله به‌تنهایی اندک بود، مردم محله‌های گوناگون، به دلیل نداشتن اتحاد، هم‌دلی، و رهبری واحد، امکان هر نوع مقابله با دزدی و غارت‌گری را از دست داده بودند. به‌ویژه آن‌که بسیاری از فاسقان از جمله طرّاران، عیاران، و اوباش، اکنون در لباس مأموران حکومتی درآمد بودند و مردم جرئت مقابله با آنان را نداشتند و اقدام در برابر آنان را به منزله شورش بر ضد حکومت می‌دانستند. با این حال چنان‌که آمد، نخستین اعتراض آشکار بغدادیان بر ضد دزدی و شرارت را باید اعتراض نافرجام مردم قُطربَل دانست. این نوع اعتراض‌ها، ولو ناکام، نشان می‌داد مردم به‌تدریج از حکومت قطع امید کرده‌اند و خود به فکر دفاع از خود برمی‌آیند. باری، بزرگان هر محله به شور نشسته و گفتند: در هر کوچه یک و دو فاسق هست، اما بر ما چیره شده‌اند در صورتی که ما بیش از آن‌ها ایم و باید اتفاق کرده و از آن‌ها جلوگیری کنیم (همان: ۶/۳۲۵). طبری این گروه را مُطَوَّعَة (داوطلبان) نامیده و آنان را المُطَوَّعَة لِلنَّكِيرِ عَلَی الْفُسَّاقِ بَغْدَادِ معرفی می‌کند که نشان‌دهنده رویکرد جنبش بر ضد غوغائیان و اوباش بغداد در جهت بازگرداندن نظم و آرامش است

(طبری، بی‌تا: ۸/ ۵۵۳). در حالی که ابن اثیر و مسکویه رازی با الْمُتَطَوِّعَةَ لِأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النِّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ خواندن آنان، بر دینی بودن این جنبش و نه اجتماعی بودن آن تأکید دارند (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/ ۱۲۹؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/ ۳۲۶).

۵. شورش مردم بغداد به رهبری خالد ذریوش و سهل بن سلامه انصاری

نخستین کسی که به رهبری تهیدستان در دفاع از جان و مال و نوامیس خویش برخاست، خالد ذریوش ساکن محله انبار بود. خالد ذریوش مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از جان و مال خویش در مقابل فاسقان فراخواند. به‌زودی شمار زیادی گرد او فراهم آمدند. این نیروهای مردمی با حمله به فاسقان حربی، آنان را از تعرض به مردم باز می‌داشتند و با آنان می‌جنگیدند. جالب آن‌که به رغم اطلاع مردم از برخورد نکردن حکومت با فاسقان، هم‌چنان آنان را به حکومت تحویل می‌دادند و بدین ترتیب می‌کوشیدند اعلام کنند جنبش آنان بر ضد حکومت نیست (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/ ۱۳۰).

یکی دیگر از رهبران جنبش مردمی بر ضد فاسقان ابو حاتم سهل بن سلامه انصاری از مردم خراسان بود. وی قرآنی به گردن خویش آویخت و مردم را به امر به معروف و نهی از منکر و عمل به کتاب خدای عزوجل و سنت پیامبر (ص) دعوت می‌کرد. ظاهراً سازمان‌دهی ابن سلامه از نیروهای مردمی طرف‌دارش کامل‌تر و دقیق‌تر بود، زیرا اسامی بیعت‌کنندگان را در دیوانی که ترتیب داده بود ثبت می‌کرد (طبری، بی‌تا: ۸/ ۵۵۳). علاوه بر این، بسیاری از مردم را در برابر دریافت وجهی ماهیانه، تحت حمایت خویش قرار داده بود و از اموال و دارایی‌های آنان مراقبت می‌کرد. او در بازارها و محله‌ها می‌گشت و می‌گفت: در اسلام حمایت‌گری هست، اما باج‌گیری وجود ندارد. برای نمونه به نزد صاحب بستانی می‌رفت و می‌گفت بستان تو در حمایت من است و آن را از حمله و دست‌برد فاسقان حفظ می‌کنم، تو نیز باید در مقابل ماهیانه فلان درهم پردازی. شیوه‌ای که نیازمندان به حمایت و علاقه‌مندان به کسب درآمد را یک‌سان به خود جذب می‌کرد (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/ ۱۳۰).

۶. دو رهبر یک جنبش

خالد ذریوش و سهل بن سلامه هر دو برای تحقق هدفی یک‌سان به پا خاسته بودند، اما اختلافاتی در روش و منش آنان بود. خالد ذریوش نمی‌خواست خود را با حکومت درگیر

کند و فقط به دفاع از مردم در مقابل فاسقان غیرحکومتی می‌پرداخت. او می‌گفت: من از کار حکومت عیب نمی‌گیرم و با آن نبرد نمی‌کنم و نمی‌گویم چه بکند و چه نکند (طبری، بی‌تا: ۸/ ۵۵۳-۵۵۴). در عوض، سهل خود را موظف به محاربه با هرکسی می‌دانست که برخلاف کتاب و سنت رفتار کند، خواه از مردم عادی باشد خواه از حکومتیان. جدای از این اختلاف در رویکرد، زمان شروع جنبش این دو رهبر نیز متفاوت بود. خالد ذریوش دو سه روز پیش از سهل بن سلامه قیام کرد و چون در قیامش متعرض حکومتیان نشد، کسی کاری به او و حرکتش نداشت. سهل بن سلامه نیز در روز پنج‌شنبه چهارم رمضان ۲۰۱ ق در مسجد طاهر، واقع در محله حریبه، علم طغیان برافراشت (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/ ۳۲۶). در ابتدا، شمار هم‌راهان و موافقان سهل فراوان بود، اما چون احتمال پیروزی سپاهیان طاهر فزونی گرفت، بسیاری، از جمله مُطَلَب بن عبدالله خُزاعی، او را ترک و به نام مأمون دعوت به قیام کردند. اعتراض شدید ابن سلامه هم در تغییر موضع مُطَلَب تأثیری نگذارد و کار طرفین به رودرویی انجامید. اما چون مُطَلَب یارای مقاومت در برابر سهل را نداشت با او صلح کرد، اما در نهان کوشید او را بکشد. با ناکام ماندن توطئه قتل سهل، مُطَلَب با او تجدید بیعت کرد و در ظاهر به دعوت به امر به معروف و نهی از منکر روی آورد. علاوه بر این، برخی سران و فرماندهان دستگاه امین نیز چون منصور بن مهدی، خُزیمه بن خازم و فضل بن ربیع، ظاهراً خود را دوست‌دار دعوت سهل نشان می‌دادند، اما با گذر زمان، منصور و ابراهیم بن مهدی از وی روی‌گردان شدند و نشان دادند فقط به واسطه خطر سپاهیان طاهر با وی هم‌دلی می‌کردند (مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/ ۱۳۱). منصور و ابراهیم بن مهدی که خود بنا داشتند بر بغداد تسلط یابند (← احمدوند، ۱۳۹۰؛ نیز ادامه مقاله)، با درک خطر روزافزون سهل و شمار یاران وی از او روی‌گردان شدند و سرانجام او را از میان بردند. منصور و ابراهیم بن مهدی چند روز با نیروهای سهل، که بر در خانه‌های خویش برج‌هایی از گچ و آجر ساخته و سلاح و قرآن بر آن نهاده بودند، نبرد کردند و سرانجام موفق شدند با تطمیع یاران او، در روز پنج‌شنبه آخر شعبان، سهل و اندک یاران باقی‌مانده وی را به همان جایی که برای نخستین بار جنبش خویش را آشکار کرد عقب برانند. در نهایت نیز وی را با حيله دستگیر کردند (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/ ۳۲۴).

گفت‌وگوهای سهل در زندان با اسحاق بن موسی هادی، ولیعهد خلیفه خودخوانده ابراهیم بن مهدی (← احمدوند، ۱۳۹۰: ۲۱۷)، را می‌توان بیان‌گر تبلیغات دعوت سهل در میان مردم یا دست کم آنچه او ادعا می‌کرده به شمار آورد. سهل در پاسخ به اسحاق، که او را به شورش بر ضد حکومت متهم می‌کرد، دعوت خویش را عباسی و در واقع تلاش در

تحقق امر به معروف و نهی از منکر می‌دانست. هر قدر اسحاق و بعدها ابراهیم بن مهدی کوشیدند با متهم کردن او به شورش بر ضد حکومت و دور شدنش از امر به معروف و نهی از منکر، او را از طرف‌دارانش دور کنند، توفیقی به دست نیاوردند. بنابراین سهل بن سلامه را در همان زندان کشتند تا مبادا باقی‌مانده یارانش وی را آزاد کنند و شورشی تازه به راه اندازند (طبری، بی‌تا: ۸/ ۵۶۴؛ مسکویه رازی، ۱۳۶۶: ۴/ ۱۳۱؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۶/ ۳۲۵).

۷. نتیجه‌گیری

نزاع امین و مأمون و ناکامی سپاهیان امین در برابر سپاهیان طاهر بن حسین، ویرانی بغداد را در پی داشت. درگیری و محاصره ۱۴ ماهه بغداد موجب بروز خلأ قدرت، ناامنی، و آشوب فراوان شهر به دست اوباش و غوغائیان شد. از سوی دیگر ناتوانی امین و درباریان در حمایت از جان، مال، و نوامیس بغدادیان، به تدریج اعتراض مردمی را از قطربل شروع کرد و در برخی محله‌های بغداد، نظیر حرّیه و کرخ گستراند. از این رو، گروهی از مردمان عادی و فرودست بغداد، در پاسخ به دعوت خالد ذریوش و سهل بن سلامه انصاری در برقراری امنیت و مبارزه با غارت‌گران به این دو تن پیوستند. به رغم تفاوت روش و منش خالد ذریوش و سهل، جنبش مردم بغداد را در سال ۲۰۱ق باید یکی از نمونه‌های مهم جنبش‌های مردمی در سرزمین‌های شرقی به شمار آورد.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار الصادر.
- احمدوند، عباس (۱۳۹۰). *نهاد ولایت عهدی در خلافت اموی و عصر اول عباسی (۵۶-۲۳۲ ق)*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- تاریخ جدید اسلام کمبریج (۲۰۱۰). نوشته جمعی از خاورشناسان و ویراستاران؛ چس رابینسون، ماریل فی‌رو، دیوید مورگان، آنتونی رید، روبرت آروین، فرانسیس رابینسون، روبرت هفتر، کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج.
- حموی، یاقوت‌ابی عبدالله (بی‌تا). *معجم البلدان*، بیروت: دار الصادر.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (بی‌تا). *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار الصادر.
- عبدالمولی، محمداحمد (۱۴۱۰ق). *العیارون و الشطار البغادده فی التاریخ العباسی*، اسکندریه: مؤسسه شباب الجامعه.

عباس احمدوند ٩

کیانی فرد، مریم (١٣٨٨). *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ١٣، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (١٩٦٦). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دار المعرفة.

مسکویه رازی، احمد بن علی (١٣٦٦). *تجارب الأمم و تعاقب الهمم*، حققه و قدم له ابوالقاسم امامی، تهران: دار السروش.

El-Hibri, Tayeb (1999). *Reinterpreting Islamic Historiography: Harun al-Rashid and the Narrative of the 'Abbasid Caliphate*, Cambridge: University Press.

Gabrieli, F. (1960-2002). "Al-Amin", *Encyclopaedia of Islam*, E. J. Brill, Leiden.

Le Strange, Guy (2011). *Baghdad: During the Abbasid Caliphate*, New York: Cosimo Classics.

Tor, D. G. (2007). *Violent Order: Religious Warfare, Chivalry, and the Ayyar Phenomenon in the Medieval Islamic World*, Wurzburg, Ergon, Germany.

